



## حضور اسرائیل در کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران<sup>۱</sup>

علیرضا خسروی<sup>۲</sup>

### چکیده

آنچه این مقاله با ابتدای بر شواهد و مصادیق عینی و نیز اسناد و مدارک تاریخی درصدد تبیین آن است، تمرکز بر جنگ عراق و افزایش حضور اسرائیل در این کشور است. لذا سعی می‌شود با واکاوی نقش اسرائیل در این جنگ و اهداف و دلایل افزایش حضور اسرائیل در عراق پس از صدام، حلقه‌های مفقوده راهبردی صهیونیستی که تحقق آن می‌تواند تهدیداتی بنیادین برای کشورهای منطقه و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد، را کشف و مشخص نماییم.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست خارجی رژیم صهیونیستی، امنیت ملی ایران، سیاست خارجی عراق، راهبردهای صهیونیستی، اسرائیل.

۱. این مقاله برگرفته از کتاب/اسرائیل در عراق؛ زمینه‌ها، اهداف و پیامدها است که به‌زودی توسط بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی منتشر خواهد شد.  
 ۲. دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران



## مقدمه

حمله انتحاری به برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی در یازده سپتامبر ۲۰۰۱، زمینه اعمال سیاست‌ها و استراتژی‌هایی را که نئوکان‌ها از سال‌ها پیش به عنوان برنامه راهبردی خود تدوین نموده بودند، فراهم ساخت. بازتاب‌ها و واکنش‌های سیاستمداران کاخ سفید در نتیجه این اقدام منتسب به القاعده، آن‌چنان بر سایر حوزه‌های روابط و امنیت بین‌الملل تأثیر گذاشت که شاید بتوان این حادثه را همچون فروپاشی شوروی سابق، مطلع تغییرات عمیق و بنیادین در عرصه بین‌المللی یا حداقل مکمل آن حادثه محسوب نمود؛ چراکه دقیقاً بعد از حادثه یازده سپتامبر، اغلب اقدامات انجام‌شده از سوی دولت‌های بزرگ و همچنین تحلیل‌ها و تفاسیر صورت‌گرفته از رفتار این بازیگران بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل، با بررسی مقایسه‌ای قبل و بعد از حادثه یازدهم سپتامبر همراه بوده است، که این موضوع، بر نقطه عطف‌بودن این حادثه - جدای از عوامل و طراحان این حادثه که کماکان ابهامات زیادی در رابطه با آن وجود دارد - تأکید می‌نماید.

پس از حادثه یازدهم سپتامبر، مبارزه با تروریسم در صدر برنامه‌های کاخ سفید قرار گرفت و ایالات متحده در راستای عملی نمودن این استراتژی دو راهکار بلندمدت و کوتاه‌مدت را در دستور کار خود قرار داد. راهکار بلندمدت نئوکان‌ها، بر تلاش در جهت بسط دموکراسی و ارزش‌های لیبرالیستی متمرکز گردید و راهکار کوتاه‌مدت آن‌ها بر از میان برداشتن دولت‌های به اصطلاح یاغی در عرصه بین‌الملل متمرکز یافت.

در حقیقت حادثه یازده سپتامبر، علاوه بر این که سبب حمله ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا علیه افغانستان با هدف سرنگونی القاعده گردید، زمینه حادثه مهم‌تری را در قالب یک طرح استراتژیک به نام طرح خاورمیانه بزرگ فراهم ساخت؛ که این طرح به رغم مخالفت‌های بین‌المللی و عدم همراهی دولت‌های بزرگ اروپایی، با حمله امریکا به عراق به اجرا درآمد و موجبات یک جانبه‌گرایی امریکا و سست‌شدن نقش سازمان ملل متحد را در نظم جدید بین‌المللی فراهم ساخت.

از طرف دیگر با نگاهی دقیق و عمیق به اهداف طرح خاورمیانه بزرگ که بر گرفته از استراتژی بلندمدت نئوکان‌هاست، در خواهیم یافت که امنیت اسرائیل از اهداف اساسی و بنیادین این طرح محسوب می‌گردد. در واقع هم ابعاد اقتصادی و هم سیاسی این طرح علاوه بر اهداف بلندمدت امریکا در منطقه، به صورت آشکار یا پنهان نیل به تحقق اهداف بلندمدت اسرائیل در منطقه دارند.

## کردستان عراق و زمینه حضور اسرائیل در عراق

در ذیل به دو عامل مؤثر در علل حضور صهیونیست‌ها در عراق اشاره می‌شود:

### الف. اشتراکات میان اسرائیل و کردها

بررسی‌های تاریخی و جامعه‌شناختی اسرائیل و اکراد نشانگر وجود حداقل دو وجه اشتراک میان آن‌ها می‌باشد که عبارت‌اند از<sup>۱</sup>:

#### غیر عرب بودن:

کردها و جمعیت اسرائیل غیر عرب بوده و لذا مخالفتی که ناشی از حس ناسیونالیسم عربی در میان اعراب نسبت به اسرائیل وجود دارد در میان اکراد دیده نمی‌شود.

#### دشمن مشترک:

دشمن مشترک هر دو طرف در طول دهه‌های گذشته، به طور خاص اعراب بوده‌اند و این دشمن مشترک، زمینه‌های همکاری میان این دو گروه برای مقابله با اعراب را فراهم کرده است. خصومت شدید میان رژیم بعث و کردها و کشتار وحشیانه اکراد توسط صدام حسین گویای این واقعیت است.

شایان ذکر است که علاوه بر دو وجه اشتراک مذکور، کارشناسان بیولوژیک اسرائیل تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا ارتباط ژنتیکی میان کردها و یهودی‌ها را به اثبات برسانند تا از این طریق مورخان اسرائیل را یاری کنند؛ گویا کردها در اصل از ریشه یهودی‌ها و اسرائیلی‌ها هستند. در این باره کارشناسان بیولوژی اسرائیلی در دانشگاه عبری از لحاظ ژنتیکی میان اسرائیلی‌ها و افراد دیگری از سایر نژادها آزمایشاتی را انجام داده و با توجه به این آزمایشات که در سال ۲۰۰۱ در مجله ژنتیک امریکا منتشر شده است، کردهای کردستان عراق از لحاظ ژنتیکی نزدیک‌ترین ملت به یهودی‌های سفاردیم (یهودی‌های شرقی) هستند و به این طریق می‌خواهد ثابت کند که کردها و یهودی‌ها از یک نژاد هستند.<sup>۲</sup>

### ب. روابط تاریخی میان اسرائیل و کردهای عراق

بررسی تاریخی وضعیت کردستان به ویژه پس از فروپاشی عثمانی نشانگر آن است که این قوم بزرگ به دلایل مختلفی که مهم‌ترین آن قرار گرفتن در میان کشورهای همسایه می‌باشد، هیچ‌گاه از وضعیت امنیتی آرامی برخوردار نبوده است. این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که کشورهای همسایه دارای اقلیت قومی کرد، به بهانه‌های

۱. علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، بررسی اهداف، برنامه‌ها و زمینه‌های حضور اسرائیل در عراق، تهران، مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۳، ص ۲۷۰-۲۶۸.

2. <http://www.baztab.com>





از لحاظ تاریخچه، روابط پیوند صهیونیست‌ها با کردهای عراق به قبل از شکل‌گیری دولت اسرائیل و به فعالیت‌های آژانس یهود بر می‌گردد

مختلف و به‌ویژه حفظ یکپارچگی سرزمینی تدابیر سختی را در این راستا اتخاذ می‌نمودند. این موضوع با شکل‌گیری تمایلات استقلال طلبانه و گروه‌های معارض کردی برای این دولت‌ها با شدت بیشتری پیگیری می‌شد. به عبارت دیگر حائل شدن قومیت کرد در میان این کشورها، خود موجبات همکاری بیشتر این دولت‌ها در سرکوب و پیشگیری از شکل‌گیری اقدامات استقلال طلبانه را فراهم می‌ساخت و به این ترتیب موضوع کردها به عنوان یکی از مسائل اصلی امنیت ملی این دولت‌ها بدل گردید. سرکوب و فشارهای شدید بر این اقلیت به‌ویژه در کشور عراق موجب گردید تا افراد در مقاطعی از حقوق اولیه خود نیز محروم گردند و از امکانات اولیه زندگی نظیر بهره‌برداری از تغذیه مناسب و بهداشت نیز محروم باشند. این موضوع سبب شد تا برخی از دولت‌های خارج این منطقه در جهت منافع خود از مسئله کردها بهره‌برداری نموده و با تجهیز و همکاری با این قومیت اهداف خود را دنبال کنند. از طرف دیگر افراد عراق به‌منظور حفظ موجودیت خود و دستیابی به برخی از امتیازات، تنها راه پیش‌روی خود را اتحاد و همکاری با دولت‌های خارجی قدرتمند و مهم‌تر از آن معارض با دولت مرکزی تصور می‌نموده‌اند.

از همین رو تاکنون هر تلاشی در جهت ایجاد دولت کردی مستقل، بلافاصله با مخالفت سه کشور ترکیه، ایران و عراق روبه‌رو شده است. هر یک به شکلی ابراز مخالفت کرده و هیچ یک با اصل موضوع موافقت نداشته‌اند. این مخالفت‌ها حساب شده بوده است زیرا هر کدام می‌دانند در صورتی که به آن تن دهند باید بخشی از قلمرو خود را از دست بدهند. این در حالی است که سرزمین‌های کردستان سرشار از منابع طبیعی - به‌ویژه نفت - می‌باشند.

مخالفت‌های شدید این سه کشور موجب گردید که کشورهای غربی بعد از قرارداد لوزان موضعی واقعی و جدی در قبال استقلال کردها اتخاذ نکنند و مساعدت و همکاری خاصی با کردها از خود بروز ندهند و صرفاً برخی از سرویس‌های اطلاعاتی غرب ارتباطاتی با بعضی از مقامات کرد ایجاد کرده‌اند تا در صورت نیاز از آن‌ها به عنوان مهره جایگزین بهره‌برداری کنند.<sup>۱</sup>

۱. شلمو نکدی‌مون، موساد در عراق و کشورهای همسایه، معاونت پژوهشی دانشکده امام باقر(ع)، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۷.

رابطه میان اسراییل و کردستان عراق به طور جدی از سال ۱۹۶۴، هنگامی که مئیر امیت به ریاست موساد رسید و اقدام به افزایش عملیات مهاجمانه علیه هدف‌های عربی کرد، آغاز شد

جمهوری ترکیه به صورت هدفمند و حساب شده اقدام به تصفیه کردهای فعال در خاک خود کرد. آتاتورک و آن‌هایی که پس از او روی کار آمدند ضربات مهلک و ویران‌کننده‌ای به ساختار قبایل کرد در ترکیه وارد کردند. تعداد زیادی از نخبه‌های کرد را اعدام کردند و بقیه را نیز به جاهای مختلف آواره ساختند. این اقدام باعث شد که مرکز ثقل قبایل کرد به کردستان عراق منتقل شود.<sup>۱</sup>

در واقع این موضوع نگاه اسراییل را به عنوان یک فرصت بالقوه متوجه کردستان عراق می‌نماید؛ چراکه عراق از دشمنان اصلی و قدرتمند اسراییل در منطقه محسوب می‌گردید و حضور دولت عراق در کنار سایر کشورهای عربی برای مقابله با اسراییل خطرات فراوانی را از بدو شکل‌گیری دولت اسراییل متوجه آن ساخته بود و لذا، رهبران این رژیم اهمیت ویژه‌ای را برای حضور در کردستان عراق و همکاری با این قومیت معارض دولت مرکزی در نظر می‌گیرند. از این رو به منظور بررسی دقیق این رابطه و تأکید بر نقش این ارتباط به عنوان مهم‌ترین زمینه حضور اسراییل در عراق لازم است تا به ابعاد، اهداف و جایگاه این ارتباط در نظر این دو (اسراییل و اکراد عراق) پرداخته شود.

## آژانس یهود و رابطه با اکراد عراق

از لحاظ تاریخی، روابط پیوند صهیونیست‌ها با کردهای عراق به قبل از شکل‌گیری دولت اسراییل و به فعالیت‌های آژانس یهود بر می‌گردد. در آغاز سال ۱۹۴۶ به منظور بررسی مشکل سرزمین اسراییل کمیته‌ای بریتانیایی-آمریکایی تشکیل شد. فعالان آژانس یهود از هر شخص یا تشکیلاتی که ممکن بود به نوعی بر تصمیمات کمیته مذکور به نفع اسراییل تأثیر بگذارد شروع به تحقیق کردند. آن‌ها تلاش نمودند که این قبیل اشخاص و تشکیلات را پیدا کرده و توجیه کنند. در همین راستا دو نفر از اعضای شاخه سیاسی به نام‌های موریس فیشر و دوستش یهودا هلمان جهت آماده‌سازی و توجیه کردها، آشوری‌ها و مارونی‌ها اعزام شدند... هلمان با عنایت به اینکه فارغ‌التحصیل دانشگاه آمریکایی‌ها در بیروت بود و همچنین با توجه به اینکه قبلاً خبرنگار «آژانس

۱. همان، ص ۳۷.



نزدیکان بارزانی در رابطه با نقش کردها و شخص بارزانی در فراری دادن یهودیان از عراق فاش ساختند که: بارزانی با تمام وجود این طرح و اندیشه را پیگیری می کرد زیرا یهودی ها برای خاطر ما کارهایی کردند. عملیات فراری دادن یهودیان مساوی بود با به خطر انداختن کردها. خود بارزانی و پسرش شخصاً عملیات فراری دادن یهودیان را پیگیری می کردند

نوشت:

با توجه به سرنوشتی که کردها به آن متمسک شده اند در می یابیم که دولت های عرب تا چه حد در برخورد با روحیه خودمختاری و اصول و ارزش های یک اقلیت سیاسی و متمدن که تمدنش با تمدن آن ها فرق دارد ضعیف برخورد کرده اند.<sup>۱</sup>

به منظور درک صحیح از نحوه و میزان روابط یهود و اکراد عراق در ذیل به گزارشی که این دو نفر پس از حضور در کردستان و بررسی وضعیت منطقه و اهمیت آن به آژانس ارائه می دهند اشاره می شود. در این گزارش که طبق نظر نویسنده یهودی کتاب موساد در عراق در بایگانی آژانس یهود موجود است. آمده است:

کردها از دو سال قبل به انحاء گوناگون به سمت ما آمده اند تا به آن ها بپیوندیم و صدایمان را با صدای آن ها علیه دشمن مشترک خود - که قوم عرب است - یکی کنیم.<sup>۲</sup>

رهبران کرد به وابسته نظامی اسرائیل در بغداد به نام ارتشبد روزولت تأکید کرده اند که مبارزات صهیونیست ها و جنگ یهودیان در فلسطین را تأیید می کنند.<sup>۳</sup>

۱. بعدها به اورشلیم پست تغییر نام می دهد.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۴۶، به نقل از بایگانی آژانس یهود.

۴. همان، ص ۴۸.

اخبار بین المللی» و نشریه فلسطین پست<sup>۱</sup> بود، اطلاعات خوب و گسترده ای در مورد زوایای سیاست های خاورمیانه در اختیار داشت. فیشر و هلمن برای ایجاد هماهنگی میان کردها و آشوری هایی که در مجامع خودشان ساکن بودند نیاز به تلاش فراوانی نداشته اند و تنها لازم بود اندیشه ای را که بریتانیا در خصوص یهود ایجاد کرده بود تعدیل کنند. آن اندیشه این بود که یهود اقلیتی است که دارای حمایت و پشتوانه بین المللی است. در پی دیداری که فیشر و هلمن از کردستان داشته اند آژانس یهود در یادداشتی که به کمیته مذکور - کمیته بریتانیایی - امریکایی - می دهد

ریچارد ماورر- خبرنگار نیویورک پست- در گزارشی که پس از مأموریت خود به کردستان تهیه کرده است می‌نویسد:

کردها می‌گویند یهود تلاش می‌کند تمدن غرب را به شرق عقب‌افتاده بیاورد. این در حالی است که عرب‌ها این فرهنگ را نمی‌خواهند و از این رو با یهود مقابله می‌کنند.

نویسنده گزارش، اضافه می‌کند:

کردها از ما سازمان‌دهی و آموزش می‌خواهند و معتقدند فرستاده‌های اسرائیلی قادرند همه قبایل درگیر کرد را در گروه جنگنده واحدی جمع کنند و می‌توانند آن‌ها را در زمینه انواع اسلحه و مواد منفجره آموزش دهند.

او می‌افزاید:

وقتی که از آن‌ها پرسیدم: «چرا شما به سمت یهود می‌آید و آیا جهت اخذ مساعدت است؟»

به من پاسخ دادند: ما دشمن مشترک داریم و باید علیه آن‌ها با یکدیگر همکاری کنیم.

گزارش مذکور اضافه می‌کند:

شمس‌الدین آغا، امیر منطقه زاخو و عضو مجلس عراق در همین خصوص به من گفته است:

ما از بریتانیایی‌ها و امریکایی‌ها ناامید شده‌ایم و آماده ارتباط‌گیری با هر کسی هستیم و حاضریم هر گونه مساعدتی را از یهود دریافت نماییم. وقتی از وی خواستم که در زمینه اتحاد و جمع‌آوری ملت کرد تلاش کند در حالی که می‌ترسید اظهار داشت:

ما چشم به راه هستیم که یهود افرادی را برای آماده‌سازی ما اعزام کند. او از من خواست که این پیغام را به مؤسسات یهود برسانم و اظهار داشت:

تعهد می‌دهیم حفظ و حراست لازم را از فرستاده شما صورت دهیم و قادریم هر یهودی را از طریق قاچاق به راحتی از بغداد منتقل کنیم.

نویسنده این گزارش در پایان به آژانس یهود پیشنهاد می‌کند:

اگر کردها با اعزام تعدادی کرد به اسرائیل موافق باشند این کار صورت



پذیرد و ما از این طریق آن‌ها را آموزش دهیم و آماده کنیم. مايلم بيان کنم که کردها به کرات چنین پیشنهادی را مطرح کردند.<sup>۱</sup> همان گونه که در فوق آماده است رابطه یهود با کردها از پیشینه تاریخی برخوردار بوده و این رابطه در ابتدا از سوی آژانس یهود مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

### اسرائیل و رابطه با اکراد عراق

با شکل گیری دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، ارتباطات و توجه اسرائیل به کردستان عراق وارد مرحله جدی تری می گردد و اسرائیل از همان اوایل شکل گیری تلاش های زیادی را در جهت تقویت روابط خود با کردستان عراق مبذول می نماید. در سال های ۱۹۴۹-۱۹۴۸ کردها فعالیت گسترده ای در صحنه بین المللی به انجام رساندند. یکی از اسناد وزارت خارجه اسرائیل بیانگر این واقعیت است که دست اسرائیل پشت تمام این فعالیت ها بوده است. فعالیت های یاد شده در سال های مذکور در زمینه های زیر بوده است:

۱. فعالیت در زمینه ارتباط گیری در سازمان ملل
  ۲. انتشار مقاله های متعدد در روزنامه های مختلف
  ۳. تثبیت زبان کردی در مدرسه زبان های شرقی در پاریس
  ۴. انتشار قاموس کردی - فرانسوی و تدوین کتاب دستور زبان کردی
  ۵. کتاب آموزشی در خصوص کردها (معرفی کردها)
  ۶. ایجاد مرکز تحقیقات کردی در پاریس<sup>۲</sup>
- شایان ذکر است که مشکل کردها هر از چند گاهی در سازمان ملل مطرح شده ولی هرگز با اقدامی حقیقی برای حل آن همراه نگشته است. به رغم روابط اشاره شده در فوق رابطه میان اسرائیل و کردستان عراق به طور جدی از سال ۱۹۶۴، هنگامی که مئیر امیت به ریاست موساد رسید و اقدام به افزایش عملیات مهاجمانه علیه هدف های عربی کرد، آغاز شد. شیمون پرز که در مقام معاونت وزارت دفاع باقی مانده بود، به طور نهانی با کومران علی بدیرخان - رهبر پیر کرد - دیدار کرد. نخستین دوره آموزش افسران پیش مرگ کرد با نام رمز مرواد (قالی) در اوت ۱۹۶۵ آغاز شد و به مدت سه ماه ادامه یافت. در تابستان بعد لوی اشکول، نخست وزیر وقت اسرائیل

۱. همان، ص ۴۶-۴۱.

۲. همان، ص ۴۸.



و مئیرامیت از اریه لیووا ثلیاف، معاون وزارت امور صنایع و توسعه از حزب کار خواستند که به منطقه کردستان رفته و با ملامصطفی بارزانی دیدار کند. وی درباره مأموریت خود چنین می نویسد:

منطقه کردستان ایران را به خوبی

می شناختم و از نزدیک با چند تن از اعضای دولت ایران آشنایی داشتم. هیئتی که عازم سرزمین کردستان گردید، یک بیمارستان صحرائی و تمام وسایل آن را با خود همراه داشت و عده‌ای پزشک و پرستار اسرائیلی نیز برای به کار انداختن این بیمارستان جزو هیئت بودند. چند ماه بود که بارزانی درخواست می کرد که از لحاظ پزشکی به وی کمک شود. پس از چند روز نقل و انتقال، هیئت مورد نظر مرکب از چند جیب و ماشین‌های باری به منطقه کردستان عراق رسید. با رسیدن به چادر رهبر کردها، ملامصطفی از اعضای هیئت به گرمی استقبال کرد. چند روز پس از افتتاح بیمارستان صحرائی شهرت آن در سراسر کردستان پیچید و پزشکان و پرستاران اسرائیلی شبانه‌روز به کار می پرداختند.<sup>۱</sup>

پانزدهم آوریل ۱۹۶۵ لوی اشکول با گولدا مایر وزیر خارجه وقت اسرائیل، اسحاق رابین رئیس وقت ستاد ارتش اسرائیل و رئیس موساد جلسه‌ای برگزار کرد. رئیس موساد موضوع کردها و اقدامات خاصی را که اسرائیل در دستور کار داشت طرح نمود. افراد حاضر در جلسه ضرورت دادن اولویت به قضیه کردها را تصویب کردند و اندک زمانی پس از نشست مذکور یک فروند هواپیمای اسرائیلی از نوع «ستار توکروز» حامل نه تن تسلیحات نظامی در فرودگاه تهران به زمین نشست و از آنجا توسط ساواک به مقصد کردستان حمل گردید. این محموله حاوی تفنگ، اسلحه بازو کا، مین و مواد منفجره بود.<sup>۲</sup> بارزانی در پاسخ، طی نامه مهمی به اسرائیل نوشت:

اسرائیل وعده داد و وفا کرد.

در بیستم آوریل ۱۹۶۵ نماینده کردها نامه‌ای برای نماینده موساد در تهران آورد که در آن آمده بود:

بارزانی مایل است با فرستاده عالی‌رتبه اسرائیلی در کردستان ملاقات

۱. همان، ص ۵۳.

۲. برای آشنایی بیشتر به میزان و نحوه ارسال تجهیزات جنگی از اسرائیل به کردستان عراق رک: به اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی.





کند. کما اینکه آماده است یک نماینده عالی رتبه را برای ملاقات با نماینده اسرائیل به خارج از کردستان اعزام نماید.

پس از این اقدامات اسرائیل، ملامصطفی بارزانی در سال ۱۹۶۸ برای اولین بار به اسرائیل مسافرت می نماید. یکی از عوامل صهیونیستی در این رابطه می گوید:

اولین دیداری که بارزانی در نisan سال ۱۹۶۸ از اسرائیل داشت با تشریفات کم نظیری روبه رو شد. در کاخ تشریفات از وی استقبال رسمی سنگینی به عمل آمد؛ کاخی که در آن از میهمان خارجی و بعضاً از افرادی دارای مأموریت سری استقبال می شود. در این ضیافت هر گونه خوردنی و نوشیدنی دلنشین سرو شد. در این دیدار تیمسار مئیرامیت، رئیس موساد، به وسیله یوفال نئمان با بارزانی آشنا شد.<sup>۱</sup>

با توجه به مقدمه اشاره شده در فوق، سؤالی که مطرح می شود این است که اصولاً اهداف اسرائیل و کردها از ارتباط با یکدیگر کدامند و به عبارت دیگر چه عواملی در نزدیکی روابط این دو به یکدیگر نقش داشته اند؟

### علل توجه اسرائیل به کردها

شرایط خفقان حاکم بر عراق در دوران حکومت بعث مانع از آن می شد تا اسرائیل بتواند در راستای دستیابی به اهداف خود در عراق دست به اقدامات وسیع و قابل توجهی بزند؛ چراکه هر گونه وجود نشانه هایی از روابط و همکاری اتباع عراق با یهودیان و اسرائیل سرنوشت خطرناکی را به همراه داشت. لذا اسرائیل در این دوران، تنها به صورت پنهانی و با اهداف خاصی در عراق حضور داشته است و مهم ترین زمینه آن وجود اقلیت کرد عراقی معارض دولت مرکزی در منطقه شمالی عراق بود. به رغم این شرایط، اسرائیل از داشتن ارتباط با کردها و همکاری با آنها دو هدف ذیل را دنبال می نمود:

#### ۱. فراری دادن یهودیان

یهودیان عراق خصوصاً پس از جنگ ۱۹۶۷ در وضعیت بی نهایت بدی قرار داشتند و تحت تعقیب بودند. دولت تمامی یهودیان را که در ادارات و وزارتخانه های دولتی کار می کردند و حتی آن هایی را که در بخش های خصوصی شاغل بودند بازنشست کرد و خرید و فروش یا اجاره دادن ملک و املاک و ثبت و نقل و انتقال هر گونه مالکیت را برای یهودیان ممنوع کرد. به بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری دستور داد که ماهیانه بیش

در واقع اسرائیل با بررسی اوضاع منطقه و وضعیت کشورهای عربی درگیر در جنگ به دنبال فرصت‌هایی می‌گشت که تا حدودی فشار علیه خود را کاهش دهد. از همین رو وجود معارضة کرد در عراق یکی از فرصت‌های طلایی برای این رژیم در این راستا محسوب می‌گردد

از صد دینار به هر یهودی پرداخت نداشتند باشند. به وکلا و اطبای یهود دستور داد که حق و کالت و طبابت غیر یهودی را ندارند. تلفن‌های آن‌ها اعم از منزل، مطب و محل کار را قطع کرد و آن‌ها را از عضویت در تمامی باشگاه‌ها و انجمن‌ها محروم نمود. شخصیت‌های بارز آن‌ها را بازداشت و مورد محاکمه و شکنجه قرار داد. اماکن مقدسه یهود مصادره شدند. دولت همچنین یک مرکز گردآوری یهودیان تأسیس کرد و آن‌ها را در مکان کوچکی به نام بعقوبه در نزدیکی بغداد گرد آورد. شروع جو ترور علیه یهودیان باعث شد که تعداد زیادی از آن‌ها در منازل خود بمانند و به اماکن عمومی تردد نکنند.

همراه با فروکش کردن آتش قتل و کشتار، محدودیت‌های ایجاد شده در مسیرهای منتهی به مناطق کردنشین نیز کم شده بود؛ افرادی که قصد فرار داشتند باید به مناطق کردنشینی می‌رفتند که به عنوان تفریح‌گاه و استراحت‌گاه استفاده می‌شد و همچنین در مناطقی نظیر صلاح‌الدین ثقلاوه و دربند ساکن می‌شدند که مورد ظن نبودند.<sup>۱</sup> از این رو تنها راه ممکن برای خروج یهودیان از عراق، فراری دادن آن‌ها از منطقه کردستان هم‌مرز ایران بود و کردهای عراق به منظور نشان دادن اهمیت رابطه با اسرائیل به‌رغم خطرات بسیار زیادی که با آن مواجه بودند این کار را بر عهده گرفتند.<sup>۲</sup> اولین دوره فرار بزرگ یهودیان به کمک کردها و در خلال ماه‌های جولای و آگوست ۱۹۷۰ صورت گرفت و این موضوع در خلال ماه‌های سپتامبر و اکتبر آن سال به اوج خود رسید؛ به نحوی که روزانه حدود پنجاه نفر یهودی از مرز ایران می‌گذشتند.<sup>۳</sup> بارزانی از عملیات فراری دادن یهودیان از عراق و نقشی که در انجام آن ایفا می‌کرد اظهار فخر می‌کرد. روزنامه‌نگار امریکایی به نام جک اندرسون در مقاله‌ای که نشریه *واشنگتن پست*<sup>۴</sup> مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۲ آن را منتشر کرد نوشته است:

زمیر رئیس موساد طرح و نقشه رساندن مساعدت به یهودیان برای

1. [www.alarabiya.net/articles/2005/11/03/18287.html](http://www.alarabiya.net/articles/2005/11/03/18287.html)

۲. مشروح نقش کردهای عراق در فراری دادن یهودیان و نیز روابط میان اسرائیل و شاه در این خصوص، در کتابی که توسط مئیر عزری (سفیر وقت اسرائیل در ایران) در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، آمده است (مئیر عزری، «یادنامه: کیست/از شما/از تمامی قوم/او، ترجمه ابراهام حاخامی، اورشلیم، ۲۰۰۰).

۳. شلمو نکدیمون، همان، ص ۳۴۸-۳۳۵.

۴. همان، به نقل از روزنامه *واشنگتن پست*، ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۲.



فرار کردن از عراق را به بارزانی ارائه داد.

بعدها نزدیکان بارزانی در رابطه با نقش کردها و شخص بارزانی در فراری دادن یهودیان از عراق فاش ساختند که:

بارزانی با تمام وجود این طرح و اندیشه را پیگیری می کرد زیرا یهودی ها برای خاطر ما کارهایی کردند. عملیات فراری دادن یهودیان مساوی بود با به خطر انداختن کردها. خود بارزانی و پسرش شخصاً عملیات فراری دادن یهودیان را پیگیری می کردند.<sup>۱</sup>

رهبران اسرائیل نیز با توجه به نقش کردها در کمک به یهودیان عراقی رضایت خود را از این امر نشان دادند؛ به گونه ای که گولدا مایر از آن ها استقبال کرد. وی به معاون خود کرون گفت:

چه کسی باور می کرد که کردها برای فرار از عراق و آمدن به اسرائیل به یهودیان کمک خواهند کرد؟!<sup>۲</sup>

در همین رابطه نشریه /الثوره عراق در سوم ژانویه ۱۹۷۳ در مقاله ای نوشت:

در مقابل کمک هایی که اسرائیل به کردها می کرد، کردها به یهودی ها برای فرار از عراق و رفتن به اسرائیل کمک می کردند.<sup>۳</sup>

اظهارات نزدیکان بارزانی و همچنین واکنش رهبران اسرائیلی و حتی نشریات منطقه نشانگر آن است که در واقع بارزانی محور اصلی عملیات خروج یهودیان از عراق بود. به طوری که پس از بیست و دو سال مصطفی قرداحی که در دهه ۱۹۶۰ منشی بارزانی بوده است اعتراف می نماید:

بارزانی دستور نجات یهودیان از عراق و ارائه هر گونه همیاری مورد نیاز با آن ها را صادر کرد.<sup>۴</sup>

## ۲. تضعیف جبهه اعراب در جنگ علیه اسرائیل

با مطرح شدن ناصر به عنوان رهبر ناسیونالیسم عرب و سردمدار مبارزه با اسرائیل، بسیاری از کشورهای عربی، با حمایت همه جانبه از او خود را در جبهه وی قرار دادند و با اعزام نیرو در اتحاد با او علیه اسرائیل قرار گرفتند که از جمله این کشورها عراق بود که دارای ارتش نیرومند و قوی بود. از همین رو شکاف در جبهه اعراب به منظور کاهش فشار

۱. همان، ص ۳۵۱.

۲. همان، ص ۳۵۲.

۳. همان، ص ۳۵۳، به نقل از نشریه /الثوره عراق، ژانویه ۱۹۷۳.

۴. همان، ص ۳۵۳.

درگیر کردن کشورهای منطقه با یکدیگر به خصوص ایجاد و تشدید تنش بین ایران و عراق از یک سو و نیز ایجاد جنگ و ستیز بین کردهای عراقی با دولت آن کشور بخشی از توطئه اسراییل با هدف مشغول کردن دولت‌های منطقه و گسترش و تعمیق اغتشاشات محلی و منطقه‌ای بود که در نهایت به سود دولت صهیونیستی تمام می‌شد

علیه اسراییل از اولویت‌های استراتژی اسراییل در جنگ قرار می‌گیرد.

به همین منظور زمیر، رئیس وقت موساد پیشنهادی را از طرف وزیر دفاع اسراییل موشه‌دایان در یکی از جلسات مطرح نموده بود که تا حال حاضر به عنوان سندی سری مطرح است. این پیشنهاد در مورد جنگ فرسایشی علیه اسراییل بود که مصر آن را رهبری می‌کرد؛ جنگی که نهایتاً منجر به ایجاد جبهه شرق با مشارکت فعال اعراب علیه اسراییل شد. نقشه و

طرح موشه‌دایان در راستای خنثی‌سازی اقدام مصر از طریق مشغول کردن ارتش عراق و واداشتن آن به باقی ماندن در کشور خود بود.

در واقع اسراییل با بررسی اوضاع منطقه و وضعیت کشورهای عربی درگیر در جنگ به دنبال فرصت‌هایی می‌گشت که تا حدودی فشار علیه خود را کاهش دهد. از همین رو وجود معارضه کرد در عراق یکی از فرصت‌های طلایی برای این رژیم در این راستا محسوب می‌گردید.

کبوسته<sup>۱</sup> در خلال گشت‌زنی‌هایی که در منطقه کردستان عراق داشت به این نتیجه رسیده بود که:

تازمانی که جبهه میان کردها و عراق داغ باشد و عراقی‌ها به سرکوب کردها مشغول باشند به نفع اسراییل است. زیرا به عراقی‌ها این فرصت را نمی‌دهد که نیرو به سمت اسراییل اعزام نمایند و در این زمینه به اردنی‌ها و سوری‌ها کمک کنند. واضح است که عراقی‌ها تحت هیچ شرایطی به کردها اجازه نمی‌دهند در مناطق کردنشین بر چاه‌های نفت سیطره یابند و به همین دلیل پیوسته برای حفظ و حراست از آن‌ها نیرو اعزام خواهند کرد.<sup>۲</sup>

از همین رو در راستای تحقق هدف مذکور یکی از شاخص‌ترین اقداماتی که به عنوان

۱. میخائیل بن اری ملقب به کبوسته یکی از نیروهای چتر باز ارتش اسراییل محسوب می‌شد که به سبب تجربیات فراوانی که در عملیات‌های اسراییل کسب کرده بود، از لحاظ نظامی هم‌وزن افرادی چون آریل شارون به حساب می‌آمد. او یکی از بنیان‌گذاران واحدهای گشتی اسراییل بود.

۲. شلمونکدیمون، همان، ص ۳۶۰.





در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل معروف به جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳ میلادی وقتی جاسوسان اسرائیلی حضور و ورود ارتش عراق برای مساعدت به نیروهای سوری و مصری علیه اسرائیل را جدی ارزیابی کردند فوراً دست به کار شدند و جبهه جدیدی را در منطقه کردستان علیه دولت عراق به وجود آوردند تا عراقی‌ها قادر به حضور در چند جبهه به طور همزمان به خصوص جبهه ضد صهیونیستی نباشند

استراتژی اسرائیل در جبهه شرق می‌توان از آن یاد نمود، ممانعت از پیوستن ارتش عراق به ارتش جبهه متحد عرب بوده است. در این راستا اسرائیل ضمن شعله‌ور ساختن اختلافات دیرینه دو کشور ایران و عراق می‌بایست از توان و امکانات ایران بهره می‌گرفت تا در میان کردهای عراق حضور یابد و با این تیر چند هدف را نشانه می‌رفت:

اولاً با تشدید و تقویت اختلافات و درگیری‌های کردها با عراقی‌ها مانع از پیوستن ارتش عراق به ارتش متحد عرب شود و ثانیاً اختلافات ایران با عرب‌ها را تقویت کند و آن را تعمیق بخشد. ثالثاً اختلافات دیرینه ایران و عراق را همچنان فعال و زنده نگه دارد. رابعاً با فعال کردن بحث مبارزات کردها و طرح حقوق آن‌ها کشورهای ایران، سوریه، ترکیه و حتی ارمنستان را به خود مشغول سازد.<sup>۱</sup>

به‌عنوان مثال در جریان یکی از جنگ‌های اعراب و اسرائیل، تسفی زمیر از افسران اسرائیل در نامه‌ای به نماینده موساد در ایران می‌نویسد:

از نماینده موساد در تهران درخواست کردم که نامه‌ای به بارزانی بنویسد و از وی بخواهد که دست به اقدامات تهدیدآمیزی علیه عراقی‌ها بزند. تحرکاتی داشته باشند و واکنشی نشان دهند. روی مواضع عراقی‌ها آتش بریزند. کاری انجام دهند که ارتش عراق را متوجه خود سازند. من خود می‌دانستم که تحرکات کردها معجزه نخواهد کرد. وضعیتی که آن‌ها در آن به سر می‌برند امکان اقدامی بیشتر از آنچه را که تا آن زمان انجام داده بودند به آن‌ها نمی‌داد اما به رقم پیگیری‌ها، کردها هیچ تحرکی از خود نشان ندادند.

نماینده موساد در تهران می‌گوید:

من چیزی به کردها نگفتم و به آن‌ها نگفتم‌ام که اکنون باید چه کنند

۱. محمد تقی تقی‌پور، استراتژی پیرامونی اسرائیل، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۵.



اما این احساس را در آن‌ها ایجاد کردم که دست به عملیاتی بزنند که عراقی‌ها نتوانند آن را به کردها ربط دهند. ولی کردها با متمسک شدن به هر گونه لطایف الحیلی از زیر بار انجام آن شانه خالی کردند.<sup>۱</sup> هر چند که کردها در قبال درخواست اسراییل در آن مقطع زمانی<sup>۲</sup> اقدامی از خود نشان ندادند اما واکنش سردمداران اسراییل به این مسئله به وضوح اهداف و استراتژی اسراییل از رابطه با کردها را نشان می‌دهد.

ادمونی، مدیر شرکت شهرک‌سازی آژانس یهود می‌گوید:

ما توقع داشتیم کردها حداقل کاری حتی - هر چند کوچک و کم - انجام دهند. زیرا مشغول کردن هر مقدار از نیروی عراقی و جلوگیری از اعزام عراق به جبهه سوریه - اسراییل برای ما سود زیادی داشت. با این همه کردها تمام آمال و آرزوهای ما را نقش بر آب کردند و دست به هیچ گونه عملی در این راستا نزدند.<sup>۳</sup>

در گیر کردن کشورهای منطقه با یکدیگر به خصوص ایجاد و تشدید تنش بین ایران و عراق از یک سو و نیز ایجاد جنگ و ستیز بین کردهای عراقی با دولت آن کشور بخشی از توطئه اسراییل با هدف مشغول کردن دولت‌های منطقه و گسترش و تعمیق اغتشاشات محلی و منطقه‌ای بود که در نهایت به سود دولت صهیونیستی تمام می‌شد. به بیان دیگر صهیونیست‌ها با تضعیف قوای داخلی کشورهای مسلمان و انحراف افکار عمومی منطقه به اشکال مختلف در صفوف مسلمانان اخلاص می‌کردند تا مانع اتحاد ضد صهیونیستی آنان شوند.

عزرا دانین از مأموران کهنه کار یهودی سرویس اطلاعاتی اسراییل در خصوص شگردهای شیطانی اسراییلی‌ها چنین اعتراف می‌کند:

برای من روشن بود کمک‌هایی که ما به رزمندگان کرد در عراق می‌دادیم تفسیری جز این نمی‌توانست داشته باشد که ما از تراژدی کردها در راه آرمان‌های خود بهره‌کشی می‌کردیم؛ ولی به هر حال

۱. شلمو نکدیمون، همان، ص ۳۸۷.

۲. شایان ذکر است که در آستانه جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسراییل، دولت عراق به ایران اطلاع داد که آماده است تا روابط دیپلماتیک خود را که از سال ۱۹۷۱ قطع شده بود از سر بگیرد. لذا با بهبودی روابط ایران و عراق در آن مقطع، کردها که از حمایت همه‌جانبه شاه بر خوردار بودند می‌ترسیدند تا با انجام اقدامات خرابکارانه علیه عراق، این پایگاه مهم حامی را از دست بدهند.

۳. شلمو نکدیمون، همان، ص ۳۸۷.

حقیقت آن بود که ما از این راه با مشغول کردن بخش در خور توجهی از ارتش عراق در رویارویی با مسئله کردها مزیت‌های نظامی به دست می‌آوردیم.<sup>۱</sup>

این استراتژی در حقیقت، بخشی از سناریوی بزرگتر صهیونیستی یعنی قسمتی از استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. ساموئل کاتز از افسران سابق واحد اطلاعاتی نظامی اسرائیل درباره استراتژی پیرامونی اسرائیل در منطقه کردستان عراق نوشته است: سال‌ها بود اسرائیل برای رویارویی با یک جنگ تمام‌عیار با همه ملت‌های عرب از مراکش در غرب تا عربستان و عراق در شرق، آماده می‌شد. برای کسب توانایی جهت ایستادگی در این جنگ اسرائیل استراتژی خاصی پدید آورده بود که می‌شد آن را «دفاع از پیرامون» نامید. بر اساس این استراتژی اسرائیل با دولت‌ها و ملت‌های غیرعرب و غیرمسلمان در خاورمیانه اتحادهایی پدید می‌آورد. لذا به خاطر ترس از یکی شدن نیروی اردن و عراق تلاش‌هایی برای فعال کردن کردها از جنبه نظامی صورت می‌گرفت.<sup>۲</sup>

اسرائیل فهمیده بود که حمایت از کردها فرصت عالی برای تضعیف عراق و ماشین قدرتمند نظامی آن است. لذا از کردها به‌طور علنی حمایت کرد. هم موساد و هم واحد اطلاعاتی - نظامی از مبارزه آن‌ها پشتیبانی می‌کردند. ارتباط با کردها اطلاعات ذی‌قیمت و دست‌اولی را در مورد ارتش عراق در اختیار اسرائیل قرار می‌داد. ملاقات‌های پنهانی بین کردها و افسران ارتش اسرائیل صورت می‌گرفت. از جمله افسرانی که به ملاقات کردها رفتند سروان آریک رجو<sup>۳</sup> از افسران واحد نخبه تجسس و سرتیپ قندول (زیوی)<sup>۴</sup> معاون فرمانده شاخه عملیاتی را می‌توان نام برد. واحد اطلاعات نظامی قادر بود از طریق شبکه موساد در کردستان تصویری از ارتش عراق به دست آورد. این اطلاعات شامل آرایش جنگی عراق و نمودار سازمانی آن تا حد دسته، تعداد هواپیماهای جنگی قابل پرواز و حتی نام اکثر خلبانان نظامی آن می‌شد.<sup>۵</sup>

در جنگ چهارم اعراب و اسرائیل معروف به جنگ رمضان در سال ۱۹۷۳ میلادی وقتی

۱. یان بلک و بنی موریس، *جنگ‌های نهانی اسرائیل*، ترجمه جمشید زنگنه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۳۵-۲۳۴.

۲. ساموئل کاتز، *جاسوسان خط‌آتش*، ترجمه محسن اشرفی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۳۴-۳۳۳.

3. Arik Regev

4. Rechavem Ghandle Zeevi

۵. ساموئل کاتز، همان، ص ۳۳۴-۳۳۳.



اسرائیل فهمیده بود که حمایت از کردها فرصت عالی برای تضعیف عراق و ماشین قدرتمند نظامی آن است. لذا از کردها به طور عملی حمایت کرد. هم موساد و هم واحد اطلاعاتی - نظامی از مبارزه آن‌ها پشتیبانی می‌کردند

جاسوسان اسرائیلی حضور و ورود ارتش عراق برای مساعدت به نیروهای سوری و مصری علیه اسرائیل را جدی ارزیابی کردند فوراً دست به کار شدند و جبهه جدیدی را در منطقه کردستان علیه دولت عراق به وجود آوردند تا عراقی‌ها قادر به حضور در چند جبهه به طور همزمان به خصوص جبهه ضد صهیونیستی نباشند. دکتر افرایم سنیه ژنرال کهنه کار صهیونیست در کتاب *اسرائیل پس از ۲۰۰۰* درباره منفعت اسرائیل از کمک‌رسانی به کردهای عراق و تحریک و تجهیز آن‌ها علیه حکومت آن کشور و حتی نقش افسران نظامی و اطلاعاتی اسرائیلی در مناطق جنگی مزبور می‌نویسد:

در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ افسران ارتش اسرائیل به رزمندگان ملامصطفی بارزانی در جنگ با ارتش عراق کمک می‌کردند. همچنین راهنمایی‌های اسرائیل به کردها در میدین جنگ در شمال عراق مثمر بوده و خود اکراد به این امر اذعان دارند. در آن دوران اسرائیلی‌ها به خوبی دریافتند که از طریق کمک به اکراد عراق اسرائیل در سال‌های آتی از یک دوست و هم‌پیمان خوب برخوردار خواهد شد.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که بیان شد اسرائیل به منظور دسترسی به اهداف خود کمک‌های مالی و نظامی بسیار زیادی به کردها می‌کرد. نکته حائز اهمیت در این رابطه آن است که این رژیم حتی در بسیاری از موارد در راستای تحقق استراتژی مذکور و تحریک کردها در عملیات آن‌ها علیه دولت عراق نقش مهمی داشته است. جهت درک صحیح‌تر این مسئله و تأیید نقش اسرائیل در کردستان عراق قبل از فروپاشی صدام و به منظور تأکید بر زمینه اصلی حضور اسرائیل در عراق پس از صدام، به طور مختصر به یک نمونه از این عملیات‌ها اشاره می‌گردد.

## عملیات الکندر

پس از بررسی‌های اولیه در خصوص قصد رهبری معارزه کرد برای نابود کردن

۱. افرایم سنیه، *اسرائیل پس از ۲۰۰۰*، ترجمه عبدالکریم جادریف، تهران، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴-۱۲۵.



تأسیسات نفتی عراق از سوی عقرای<sup>۱</sup>، وی گزارشی را در این رابطه به اسرائیل ارسال می‌کند.

در ششم دسامبر ۱۹۶۸ این نقشه و طرح در جلسه هفتگی وزارت دفاع مورد بحث و بررسی قرار گرفت و بنابر نظر موشه‌دایان مقرر شد امکان مشارکت با کردها در اجرای طرح مورد بررسی قرار گیرد. طبیعی بود اجرای چنین عملیاتی بدون موافقت ایرانی‌ها محال بود و بر همین اساس مئیرامیت رئیس موساد به اتفاق هروبن در دسامبر ۱۹۶۸ عازم تهران شدند تا این موضوع را با حضور کرون، نماینده موساد در امور کردستان در ایران و همکاران او در ساواک مورد بحث و بررسی قرار دهند.

ایرانی‌ها تا آن لحظه با ورود به بحث تهدید تأسیسات نفتی مخالف بودند زیرا می‌ترسیدند عراقی‌ها مقابله به مثل کنند و به تأسیسات نفتی ایران در خوزستان تعرض کنند اما در آن زمان موافقت کردند و این محدودیت را برداشتند.

بیستم دسامبر موضوع یک بار دیگر در دفتر وزیر دفاع مطرح و اهداف آن ترسیم شد و مقرر شد تا بیشترین حد ممکن به تأسیسات نفتی عراق خسارت وارد شود تا برای مدتی طولانی از کار مختل شود.<sup>۲</sup>

عملیات کندر نیاز به دویست و پنجاه نفر نیرو برای همیاری در زمینه کارهای پشتیبانی، ایجاد سد و مانع در راه‌ها، حمل و نقل و راه‌اندازی دستگاه‌ها داشت. کار نصب و راه‌اندازی توپ‌ها و خمپاره‌اندازها و استفاده از آن‌ها نیاز به یک گروه خاص داشت. از همین رو عقرای همراه با افسران اسرائیلی دیگر، نقش مهمی را در تأمین این نیازمندی‌ها بر عهده داشتند.

پس از فراهم شدن امکانات و شرایط مورد نیاز، عملیات مذکور طبق اهداف از پیش تعیین شده انجام شد و پانزدهم مارس ۱۹۶۵ رسانه‌های گروهی خبر حمله هوایی به تأسیسات نفتی کرکوک را پخش کردند. بعد از آن خبری پخش شد که شرکت نفت عراق آن را بیان کرد. در این خبر آمده بود که ده قسمت از دوازده قسمت مخصوص تفکیک گوگرد ویران شده است و این شامل تمامی تأسیسات نفتی می‌شود که از طریق لوله به بندر بنیاس در سوریه و بندر طرابلس در لبنان صادر می‌شود. این تخریب و ویرانی باعث کاهش پنجاه درصدی تولید نفت شد.

رسانه‌های گروهی نوشتند که این تأسیسات نفتی به وسیله توپ مورد هدف قرار

۱. اسحاق عبادی، ملقب به عقرای، افسری با درجه سرگردی در یگان احتیاط نیروی چتربازان اسرائیل بود که به‌عنوان نیروی مأمور به خدمت از سوی موساد به کردستان اعزام شده بود. وی متولد سوریه بود.

۲. شلمو نکدیمون، همان، ص ۳۰۵.

یکی از مباحث اصلی و جنجالی در پی جنگ امریکا علیه عراق در محافل مختلف به چالش کشیدن و رد ادعای بوش برای مبارزه با تروریسم و برعکس، شروع جنگ برای تأمین منافع کمپانی‌های بزرگ نفتی امریکا بوده است

گرفته‌اند و کردها تنها کسانی هستند که در منطقه دارای توپ هستند.

در ماه می ۱۹۶۹ یعنی ده هفته پس از عملیات مذکور روزنامه *ساندی تایمز* گزارشی مفصل از روزنامه‌نگار انگلیسی به نام جون کیلبر اکن درباره این عملیات منتشر کرد. این روزنامه‌نگار با سامی<sup>۲</sup> نشست مطبوعاتی برگزار کرده بود و گزارشی مفصل از عملیات مذکور ارائه داده بود. با وجود این سامی نقش عبادی را در این عملیات پوشانده بود.

حجم خسارت‌هایی که در این عملیات متوجه عراقی‌ها شد بالغ بر ده میلیون لیتر استرلینگ بود و پالایشگاه به صورت کامل به مدت یک هفته تعطیل شد. یک مجله فرانسوی که در زمینه نفتی چاپ می‌شد در شماره چهارم آوریل ۱۹۶۹ نوشت:

این عملیات ضررهای سنگینی را که برای هر واحد تصفیه نفت خام به حدود یک میلیون لیتر استرلینگ می‌رسد وارد کرد. حداقل دو ماه طول می‌کشد تا هر یک از واحدهای صدمه‌دیده دوباره مورد بهره‌برداری قرار گیرند.<sup>۳</sup>

در نامه‌ای که سامی به تاریخ هفدهم مارس ۱۹۶۹ به عبادی می‌نویسد آمده است: دوست گرانقدرم امیدوارم همگی در صحت و سلامت باشید. عملیات موفق‌آمیز بود. ما مطمئن هستیم که نقش تو در این عملیات بسیار زیاد و اساسی بود. اگر مشارکت تو نبود این عملیات موفق نمی‌شد.<sup>۴</sup> حمله‌ای که کردها به کرکوک کردند باعث شد نظام بعثی عراق مجبور شود گفت‌وگوها را با کردها از سر بگیرد و به بارزانی وعده اجرای پیشنهاد رئیس حکومت عراق بزاز را بدهد. وعده بزاز مربوط به ژوئن ۱۹۶۶ بود که به اعطای حقوق کردها مربوط می‌شد. از جمله عملیات دیگر کردها، که اسراییل در طراحی آن علیه عراق نقش داشت

۱. همان، به نقل از روزنامه *ساندی تایمز*، می ۱۹۶۹.

۲. سامی که نام اصلی او محمود عبدالرحمان بود از نزدیکان بارزانی محسوب می‌گردید و از جنگجویان کرد بود که نقش اصلی را در هماهنگی عملیات الکندر با اسراییل بر عهده داشت.

۳. همان، به نقل از مجله *پترول/پتروفرماسیون* چاپ فرانسه، ۱۹۶۹/۱/۴، ص ۳۱۰.

۴. همان، ص ۳۰۵.



می توان به عملیات آناناس (با هدف در هم کوبیدن ارتش عراق در کردستان) و عملیات دوکان (ویران کردن سد دوکان مورخ ۱۹۶۹) اشاره نمود.

آنچه تاکنون در خصوص دلایل توجه اسرائیل به کردها اشاره گردید، ناشی از روابط تاریخی میان اسرائیل با اکراد و سابقه خدماتی است که کردها به اسرائیل و یهود داشته‌اند. اما آنچه حائز اهمیت است و در بخش‌های بعدی بیشتر به آن پرداخته خواهد شد، اهمیت استراتژیک کردستان عراق برای اسرائیل به عنوان یکی از قطب‌های اساسی استراتژی پیرامونی این رژیم است.

### نفت عراق و افزایش حضور اسرائیل در این کشور

در بررسی علل جنگ عراق همواره یکی از علل اساسی که از سوی اندیشمندان مختلف در مقالات و همایش‌های علمی در کنار عوامل دیگر مورد تأکید قرار گرفته است، موضوع برخورداری عراق از منابع نفتی و تلاش آمریکا برای در اختیار گرفتن، تسلط و تضمین نیازمندی‌های نفتی آینده ایالات متحده و به طور خلاصه تأمین امنیت منابع نفتی عنوان گردیده است. از همین رو یکی از مباحث اصلی و جنجالی در پی جنگ آمریکا علیه عراق در محافل مختلف به چالش کشیدن و رد ادعای بوش برای مبارزه با ترور یسم و برعکس، شروع جنگ برای تأمین منافع کمپانی‌های بزرگ نفتی آمریکا بوده است. در همین رابطه ولفوویتز یکی از نئوکان‌های مؤثر بر سیاست‌های بوش و یکی از افراد اصلی طراح جنگ عراق در پنتاگون، در پاسخ به سؤالی در حاشیه اجلاس امنیتی در سنگاپور مبنی بر اینکه چرا آمریکا به‌رغم جدی بودن خطر کره شمالی و تلاش آن در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، از حمله نظامی به این کشور خودداری نموده اما با همین بهانه به عراق حمله کرده است، به صراحت عنوان می‌کند:

بگذارید ساده و شفاف به این پرسش، پاسخ دهم؛ بارزترین تفاوت میان عراق و کره شمالی در این است که عراق در دریایی از نفت شناور است [در حالی که کره شمالی از این مزیت برخوردار نیست].<sup>۱</sup>

از سوی دیگر اخبار و اطلاعات افشاشده پس از پایان جنگ و سرنگونی صدام و اشغال عراق بر واقعیت دیگری صحه گذاشت؛ که یکی از اهداف اصلی جنگ عراق نه تنها تأمین و تضمین نفت ایالات متحده و حفظ سلطه و کنترل آمریکا بر منابع انرژی جهان

1. <http://www.guardian.co.uk/Iraq/Story/0,2763,970331,00.html> «Iraq War Was About oil»

عراق به دلیل در اختیار داشتن منابع عظیم و ارزان نفتی به‌ویژه در کرکوک و موصل فرصتی مناسب را برای اسرائیل فراهم آورده تا ضمن سرمایه‌گذاری در پروژه کلان نفتی این کشور، با احداث خط لوله انتقال نفت از عراق به اسرائیل، نیازهای داخلی خود را برآورده سازد. در واقع اسرائیل با توجه به حمایت همه‌جانبه نئوکان‌ها از این رژیم می‌خواهد در جهت تحقق این آرزوی خود بهره‌برداری لازم را بنماید.

بوده است، بلکه به صورت غیرمستقیم در پی تأمین نیازمندی‌های رو به رشد اسرائیل نیز بوده است.

از همین رو عراق به دلیل در اختیار داشتن منابع عظیم و ارزان نفتی به‌ویژه در کرکوک و موصل فرصتی مناسب را برای اسرائیل فراهم آورده تا ضمن سرمایه‌گذاری در پروژه کلان نفتی این کشور، با احداث خط لوله انتقال نفت از عراق به اسرائیل، نیازهای داخلی خود را برآورده سازد. در واقع اسرائیل با توجه به حمایت همه‌جانبه نئوکان‌ها از این رژیم می‌خواهد در جهت تحقق این آرزوی خود بهره‌برداری لازم را بنماید.

اما قبل از اشاره به برنامه‌های اسرائیل برای دستیابی

به این هدف خود در عراق، باید اذعان داشت که تأمین منابع سوخت یکی از معضلات اساسی و موانع پیش روی اسرائیل در تداوم فرآیند رشد اقتصادی محسوب می‌گردد. این مهم به‌ویژه از دو منظر ذیل قابل توجه می‌باشد:

۱. اسرائیل و چهار دولت عربی مجاور آن یعنی لبنان، اردن، مصر و سوریه بیرون یا در کنار کمربند نفتی قرار دارند که از ایران تا عراق و از آنجا تا خلیج فارس امتداد می‌یابد. از این رو اسرائیل، کشوری فاقد منابع نفتی برای رفع نیازهای داخلی خود است.<sup>۱</sup> ضرب‌المثلی معروف در میان یهودیان وجود دارد که می‌گوید:

پس از سال‌ها رنج و بدبختی در کشورهای مختلف دنیا، موسی یهود را به سرزمینی هدایت کرد که جز آن سرزمین، تمامی مناطق اطراف دارای نفت هستند.<sup>۲</sup>

۲. به‌رغم اینکه منطقه خاورمیانه سرشار از منابع نفت و گاز است اما به‌دلیل دشمنی میان اسرائیل و کشورهای عربی، دولت‌های عربی از صادرات نفت به این کشور خودداری می‌کنند و لذا اسرائیل با مشکل اساسی در تأمین موتور محرک صنایع زیربنایی خود مواجه است.

نکته دیگری که در همین رابطه قابل توجه است این‌که اسرائیل دارای یکی از اقتصادهای برتر در خاورمیانه بوده و با تغییر در استراتژی اسرائیل از جنگ و درگیری

۱. جمیل هلال، *استراتژی اقتصادی اسرائیل در خاورمیانه*، ترجمه سیدحسین سیدی و امیر سلمانی رحیمی، مشهد، فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۶.

۲. علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، همان، ص ۲۶۱.



وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در حاشیه برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در دیدار با ایاد علاوی، نخست وزیر موقت عراق اظهار امیدواری کرد که توافقنامه اقتصادی که در برگیرنده موضوعات نفتی باشد، با عراق امضا شود

به استراتژی اقتصادی، این رژیم از رشد بسیار زیادی برخوردار گردیده به حدی که امروزه در بسیاری از فن‌آوری‌ها و تکنولوژی‌ها از رشد قابل ملاحظه و غیر قابل قیاسی نسبت به سایر کشورهای منطقه برخوردار است. اما نکته اساسی موضوع عدم در اختیار داشتن منابع نفتی به عنوان موتور محرک کارخانجات و صنایع این رژیم است و از این رو اسراییل در این بخش از کمبود و مشکل اساسی برخوردار است. این مسائل موجب گردیده است تا

رهبران و پژوهشگران اسراییلی طرح‌های بسیار زیادی را در زمینه تأمین منابع نفتی مورد نیاز و در حقیقت دستیابی به یک منبع مورد اطمینان ارائه نمایند. این مسئله به ویژه در منطقه خاورمیانه که تقریباً کلیه کشورهای صادرکننده نفت، صادرات نفتی خود را به اسراییل ممنوع کرده‌اند، برای این رژیم از اهمیتی مضاعف برخوردار است. یکی از شیوه‌های اساسی در طرح‌های اسراییلی برای حل بحران نفتی، طراحی خطوط انتقال نفت از کشورهای منطقه به اسراییل بوده است که در ذیل به نمونه‌هایی از این خطوط انتقال اشاره می‌گردد:

خط ینبع - عقبه که طول آن به حدود ۹۵۰ کیلومتر می‌رسد و از خط رأس تنوره - ینبع، در فاصله ۸۰۰ کیلومتری غرب خلیج فارس، منشعب شده و از سمت شرق، به عقبه می‌رسد. پیش‌بینی آن است که توسعه این خط، از طریق خطی موازی، صورت پذیرد. اما هزینه آن، به دلیل وجود زیرساخت‌های لازم، اندک خواهد بود؛

خط رأس تنوره - عقبه، که طول آن حدود ۱۵۵۰ کیلومتر برآورد شده است، تقویت آن، با احداث خطی مستقیم میان این دو نقطه ممکن است؛

خط کویت - عقبه، که طول آن به حدود ۱۳۰۰ کیلومتر می‌رسد و از جنوب کویت، آغاز شده است و در سمت غرب، در جنوب مرز عراق، به سوی عقبه پیش می‌رود؛

اتصال خط شرکت نفت عراق به خط کویت - عقبه؛ این خط، از کویت یا کنار آن می‌گذرد و در هر دو حالت، به خط پیشنهادی کویت - عقبه

می پیوندد. طول این خط، در حالت اول، حدود ۱۷۰ کیلومتر است و در حالت دوم، به حدود ۲۷۰ کیلومتر می رسد؛ امتداد تاپلاین - حیفا؛ که طول آن به حدود ۱۷۰ کیلومتر می رسد و به موازات خط اصلی برای خط شرکت نفت عراق است.<sup>۱</sup>

## احیای خط لوله موصل - حیفا

از جمله خطوط انتقال نفت که دارای سابقه اجرایی است، خط لوله انتقال نفت موصل - حیفا است. این خط لوله در دهه ۳۰ و ۴۰ میلادی توسط انگلیس ها احداث گردید و نفت عراق را به دو بخش تریپولی در لبنان از طریق خط T و حیفا در اسرائیل از طریق خط t1 منتقل می کرد. این خط لوله از زمان عقب نشینی انگلیس ها از فلسطین در آستانه جنگ استقلال طلبانه ۱۹۴۸ بسته شد و از آن زمان تاکنون هیچ استفاده ای از آن نمی شود.<sup>۲</sup> بندر و شهر حیفا در ساحل دریای سفید در شمال فلسطین و در سرزمین های اشغالی واقع است. این بندر اولین و بزرگ ترین بندر تجاری فلسطین محسوب شده و تنها راه ارتباطی دریایی بین اسرائیل و کشورهای غربی است و اسرائیل از زمان اشغال فلسطین تاکنون از این بندر به عنوان اهرم فشار اقتصادی بر اردن و سوریه بهره گرفته است. لذا از برنامه های این رژیم برای بهره برداری از نفت عراق، راه اندازی مجدد خط لوله موصل - حیفا است که از زمان اشغال فلسطین متوقف شده بود.

با شکل گیری اسرائیل در خاورمیانه در سال ۱۹۴۸ و آغاز خصومت اسرائیل با اعراب، نفت عراق که تأمین کننده نیاز کشور فلسطین بود قطع گردید و اسرائیل را از منبع ارزان و در دسترس نفت عراق و خط لوله موصل - حیفا محروم نمود. لذا اسرائیل مجبور گردید تا از میان راه های جایگزین خط لوله قبلی، به روسیه توجه نماید و قسمت اعظم نفت مورد نیاز خود را از این کشور خریداری کند؛ که به نسبت خط لوله قبلی از جوانب مختلف نظیر طولانی بودن مسیر انتقال، از هزینه بسیار بالایی برخوردار می باشد.<sup>۳</sup> از همین رو دستیابی به منابع مطمئن و ارزان نفتی همواره یکی از اهداف اسرائیل در منطقه و همچنین نئوکان های طرفدار اسرائیل در کاخ سفید بوده است. از این منظر می توان جنگ عراق را در راستای منافع اسرائیل نیز دانست؛ چراکه یک بار دیگر موضوع احیای خط لوله نفت موصل - حیفا را در نظر تصمیم گیران اسرائیل زنده نموده است.

۱. جمیل هلال، همان.

۲. خیرگزاری مهر، «احتمال احیای انتقال نفت کرکوک به اسرائیل»، ۱۳۸۴/۴/۲۲.

3. Susan Taylor Martin, «Israel Pipe dream: getting oil from Iraq», times, August 15, 2004.



با شکل‌گیری اسرائیل در خاورمیانه در سال ۱۹۴۸ و آغاز خصومت اسرائیل با اعراب، نفت عراق که تأمین‌کننده نیاز کشور فلسطین بود قطع گردید و اسرائیل را از منبع ارزان و در دسترس نفت عراق و خط لوله موصل - حیفا محروم نمود. لذا اسرائیل مجبور گردید تا از میان راه‌های جایگزین خط لوله قبلی، به روسیه توجه نماید

خط لوله موصل - حیفا است.

وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در حاشیه برگزاری نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در دیدار با ایاد علاوی، نخست‌وزیر موقت عراق اظهار امیدواری کرد که توافقنامه اقتصادی که در برگیرنده موضوعات نفتی باشد، با عراق امضا شود. وی ادامه داد که اگرچه این امر آسان نیست، اما امریکایی‌ها از چنین ابتکاراتی حمایت خواهند کرد.<sup>۱</sup> این اظهار نظر وزیر خارجه اسرائیل نشانگر اطمینان این رژیم از حمایت امریکا برای تحقق اهداف اسرائیل در عراق و از جمله احیای

به دنبال همین اظهارات ایهود اولمرت، عضو حزب لیکود اسرائیل و وزیر صنایع و بازرگانی کابینه اسرائیل، در اظهار نظری متفاوت اعلام کرد روابط اسرائیل و برخی از کشورهای عربی از حالت عادی خارج و تل‌آویو موفق شده که افق‌های وسیعی از روابط با کشورهای عربی را برقرار کند.<sup>۲</sup>

سخنان اولمرت موجب شد تا روزنامه‌ها/رتص، چاپ اسرائیل، بخش‌هایی از «افق‌های وسیع» وزیر صنایع را افشا کند. هآ/رتص ضمن اشاره به این که یکی از اهداف جنگ عراق تأمین نفت اسرائیل بوده است، نوشت:

یکی از مقامات بلندپایه وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) طی تلگرافی به مقامات وزارت امور خارجه امریکا از احتمال انتقال نفت عراق از کرکوک به موصل و پس از آن به اردن و نهایتاً به حیفا واقع در ساحل دریای سفید در شمال فلسطین اشغالی خبر داده است. این اقدام نوعی سپاس امریکا از اسرائیل برای حمایت‌های بی‌دریغ تل‌آویو از واشنگتن در حمله به عراق تلقی شده است.<sup>۳</sup>

حتی قبل از حمله امریکا به عراق برای سرنگونی صدام، در رایزنی‌های انجام‌شده

1. [http://www.janes.com/regional\\_news/africa\\_middle\\_east/news/fr/fr030416\\_1\\_n.shtml](http://www.janes.com/regional_news/africa_middle_east/news/fr/fr030416_1_n.shtml) «Oil from Iraq: An Israeli pipedream?», Qouted: Haaretz, 16 April 2003

۲. خبرگزاری مهر، «احتمال احیای خط لوله نفت کرکوک به اسرائیل»، ۱۳۸۴/۴/۲۴.

3. <http://www.prisonplanet.com/articles/june2005/150605oilpipeline.html>, «Pentagon telegram Discussed Iraq To Israel Oil Pipeline», Haaretz, June 15, 2005



مقامات امریکایی با مخالفین صدام در امریکا، احمد چلبی قول داده بود تا برای بازگشایی مجدد خط لوله نفتی کرکوک - حیفا تلاش کند.<sup>۱</sup> این تصمیم از سوی گروه‌های مخالف صدام که تصور می‌شد در آینده عراق نقش مهمی را بر عهده داشته باشند؛ خود یکی از عوامل اطمینان‌بخش برای طرفدار اسرائیل در پنتاگون نظیر ریچارد پرل، داگلاس فیث و دیگری بود که در واقع نقش اصلی را در آغاز جنگ علیه عراق داشته‌اند.

## شرکت‌های اسرائیلی در عراق

از راهکارهای اساسی که دولت‌مردان امریکایی در فراهم نمودن حضور اسرائیل در عراق در دستور کار قرار داده‌اند، اجازه حضور غیرمستقیم اسرائیل در مناطقی از عراق در پوشش احداث شرکت‌های مختلف نفتی و غیر نفتی است.

در واقع از یک طرف نیاز رژیم صهیونیستی به بازارهای مصرف جدید و از سویی نیاز عراق به فناوری‌های زیربنایی و کالاهای مصرفی مختلف، در کنار حمایت همه‌جانبه ایالات متحده از این رژیم، شرایط مناسبی را برای حضور اقتصادی اسرائیل در عراق فراهم آورده است.

در همین راستا، شرکت‌های اسرائیلی با توجه به حمایت ایالات متحده در صددند تا در قراردادهای بازسازی عراق شرکت نمایند. جان تیلور، وزیر خزانه‌داری امریکا در سخنان خود در نشست اقتصادی در اردن از شرکت‌های اسرائیلی برای بهره‌گیری از «فرصت جدید اقتصادی» در عراق دعوت به سرمایه‌گذاری و مشارکت در بازسازی عراق نمود.<sup>۲</sup> همچنین مقامات رسمی امریکا نیز بارها تأکید کردند که «درهای عراق برای سرمایه‌گذاری و مشارکت اسرائیل در زمینه‌های مختلف» باز است. برای نمونه، معاون وزیر خزانه‌داری امریکا از رژیم صهیونیستی دعوت کرد تا در خصوص تسریع در شناسایی و بهره‌برداری از منابع موجود در عراق با امریکا همکاری کند و فرصت را غنیمت شمرده و در عملیات بازسازی عراق نیز سهیم شود.<sup>۳</sup>

بی‌تردید وضعیت آشوب‌زده عراق و فقدان وجود زیرساخت‌ها و تشکیلات ایجادکننده امنیت و نظم، بهترین فرصت برای شرکت‌های صهیونیستی است تا در ابتدای اجرای طرح در این کشور شرکت کرده و سود لازم و سرشاری را به چنگ آورد.

1. Ed Vuillamy, «Israel Seek Pipeline For Iraqi Oil», the observer, 23 April, 2003

۲. علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، همان، ص ۲۶۱.

۳. ندای قدس، «کردستان عراق گذرگاه ورود صهیونیست‌ها»، کمیته فرهنگ و تبلیغات جنبش جهاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۴، ش ۷۲، ص ۱۸.

اتحادیه صنعتی صهیونیست در سال ۲۰۰۳ اعلام کرد که بیست و یک شرکت اسرائیلی قراردادهایی را در خصوص بازسازی عراق منعقد کرده‌اند که ارزش آن به یازده میلیارد دلار می‌رسد. این قراردادها عمدتاً در زمینه‌های نظارت بر برنامه‌های کمک‌های بشر دوستانه به مردم عراق، بازسازی تأسیسات زیربنایی، بهداشت، برق و آموزش است.<sup>۱</sup> در حال حاضر چندین شرکت اسرائیلی یا شرکت‌هایی که به نوعی اسرائیل و یهودیان صاحب بخشی از سهام آن هستند، در عراق فعال‌اند که از آن جمله می‌توان به شرکت‌های ذیل اشاره نمود:<sup>۲</sup>

- شرکت «دان» که در زمینه صادرات اتوبوس‌های قدیمی به عراق فعالیت می‌کند؛
  - شرکت «رینتکس» که صادرکننده جلیقه‌های ضد گلوله است؛
  - شرکت «شیرپوینت حاسم» که صادرات درهای امنیتی به عراق را برعهده دارد؛
  - شرکت «عیتس کارمیل» که صادرکننده در و سایر تولیدات چوبی مورد نیاز در پست‌های مرزی است؛
  - شرکت رنگ‌سازی «تمبور»؛
  - شرکت «تامی ۴» که تولیدکننده تجهیزات تصفیه آب است؛
  - شرکت «تمپو» که تولیدکننده مشروبات الکلی است؛
  - شرکت «ترلیدور»، تولیدکننده سیم خاردار؛
  - شرکت «تنور گاز»، تولیدکننده وسایل آشپزخانه؛
  - شرکت «اسراییل ایریدیوم»، تولیدکننده و ارائه‌کننده خدمات و تجهیزات ماهواره‌ای و ارتباطی؛
  - شرکت «ساکان»، تولیدکننده وسایل الکترونیک؛
  - شرکت «نان دان»، تولیدکننده تجهیزات آبیاری؛
  - شرکت نفتی «سونول گازولین»<sup>۳</sup>.
- نکته قابل توجه دیگر در خصوص فعالیت شرکت‌های اسرائیلی در عراق این است که اکثر شرکت‌های اسرائیلی که موفق به عقد قراردادهای پرسود در بازسازی عراق شده‌اند دارای سهام‌داران امریکایی هستند.<sup>۴</sup>

1. <http://www.palestine-info.co.uk/am/publish/article1333.shtml>

۲. شایان ذکر است که این ادعاها از سوی مقامات کردی تکذیب شده و لذا تصریح بر صحت آن نیازمند استعلام درست و دقیق از آن‌هاست.

۳. علیرضا خسروی و مهدی میرمحمدی، همان، ص ۱۶۴.

4. [http://www.nationalvanguard.org/story/php?id=3010,\(The Iraq War: Who Benefits?\)](http://www.nationalvanguard.org/story/php?id=3010,(The Iraq War: Who Benefits?))

از راهکارهای اساسی که دولت مردان امریکایی در فراهم نمودن حضور اسرائیل در عراق در دستور کار قرار داده‌اند، اجازه حضور غیرمستقیم اسرائیل در مناطقی از عراق در پوشش احداث شرکت‌های مختلف نفتی و غیر نفتی است

پس از حمله امریکا به عراق، میزان صادرات مستقیم اسرائیل به عراق در عرض ۳ ماهه اول سال ۲۰۰۴ ارزشی معادل ۲ میلیون دلار داشته است.<sup>۱</sup> البته بخش اعظم صادرات کالاهای اسرائیلی به عراق به شکل غیرمستقیم و از طریق مصر و اردن انجام می‌شود. شایان ذکر است که مردم عراق به دلیل دیدگاه‌های ضد اسرائیلی خود، حاضر به مصرف کالاهای اسرائیلی نیستند و به همین دلیل شرکت‌های اسرائیلی کالاها و خدمات خود را تحت پوشش و با برچسب شرکت‌های

اردنی، مصری و بعضاً ترک ارائه می‌نمایند. در همین راستا، رژیم صهیونیستی به منظور تسهیل صادرات کالاهای خود به عراق از طریق اردن، یک موافقت‌نامه تجاری با این کشور در تاریخ ۱۶ مه ۲۰۰۴ امضا نمود که بر اساس آن موانع گمرکی عبور کالا از اسرائیل به اردن رفع شد.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است که بسیاری از سیاست‌گذاران اقتصادی اسرائیل، بازار مصرف عراق را فرصتی مناسب برای شکوفایی اقتصادی بخش‌های مختلف صنعتی اسرائیل می‌دانند.

همچنین باید اضافه نمود که تنوع زمینه‌های فعالیت شرکت‌های اسرائیلی در عراق علاوه بر آن که نشان‌دهنده اشتیاق اقتصادی اسرائیل در عراق است، بیانگر تلاش اسرائیل برای ایجاد نفوذ هر چه بیشتر در زمینه‌های مختلف و بهره‌گیری از این نفوذ در برنامه‌های آتی خود در عراق است.

از همین رو است که شرکت‌های نفتی اسرائیلی نیز در کنار سایر شرکت‌ها، حضوری فعال در عراق داشته و سعی دارند تا با حمایت شرکت‌های بزرگ نفتی امریکایی نظیر هالیبرتون، در مناقصات بزرگ نفتی برنده شوند و طرح‌های زیربنایی عراق را عهده‌دار گردند.

در همین رابطه، نیروهای امریکایی برای تأمین سوخت مورد نیاز خود در عراق، یک قرارداد ۸۰ میلیون دلاری را با یک شرکت نفتی اسرائیلی به نام «سونول گازولین» منعقد نموده‌اند.<sup>۳</sup>

حمایت‌های امریکا از اسرائیل به حدی است که برخی از منابع دیپلماتیک نقل کرده‌اند

1. Ibid , quoted: maariv, April 2, 2004

2. Ibid.

3. www.israel national news.com

دولت بوش تأکید نموده است: «تنها زمانی از لغو تحریم‌های سازمان ملل علیه عراق حمایت خواهد کرد که دولت عراق برای انتقال نفت به اسرائیل موافقت نماید.»<sup>۱</sup>

دستیابی به منابع نفتی عراق و احیای مجدد خط لوله مذکور آن چنان برای اسرائیل حائز اهمیت است که یوسف پاریتزکی وزیر وقت امور زیربنایی رژیم صهیونیستی از آن به عنوان یک رؤیا یاد کرده است. وی افزود:

ما می‌توانیم به یک منبع سرشار سنتی نفت دست یابیم و حتی قادر خواهیم بود تا مقداری از نفت خام مازاد نیاز خودمان را از طریق بندر حیفا صادر نماییم. اما قبل از هر چیز ما نیاز به انعقاد قرارداد با دولت آینده عراق خواهیم داشت. و این قرارداد زمانی که گروه‌هایی که خواهان رابطه با اسرائیل هستید در عراق بر مسند قدرت بنشینند ممکن خواهد بود.<sup>۲</sup>

ایجاد یا احیای یک خط لوله مستقیم از عراق به اسرائیل موجب کاهش هزینه‌های انرژی این رژیم خواهد شد به گونه‌ای که اسرائیلی‌ها معتقدند که واردات نفت از عراق حدوداً ۲۰ درصد نسبت به روسیه از هزینه کمتری برخوردار است و از طرفی دیگر در صورت تحقق چنین ایده‌ای، این خط لوله از اردن خواهد گذشت و از آنجا که امریکا با هر دو دولت اسرائیل و اردن دارای روابط بسیار نزدیکی است، این مساله سبب خواهد شد تا خود امریکا نیز به منابع نفتی عراق دسترسی بهتری داشته باشد و وابستگی آن را به نفت عربستان سعودی تا حدودی کاهش دهد.<sup>۳</sup>

پاریتزکی اضافه می‌نماید:

احیای مسیر انتقال نفت عراق به اسرائیل از طریق خط لوله مذکور، برای اسرائیل منافع اقتصادی بسیار بالایی را در بر خواهد داشت و شهر حیفا را به روتردام جدید مبدل خواهد ساخت.

اسرائیل برای احیای خط لوله مذکور، علاوه بر چانه‌زنی با مقامات امریکایی و عراقی، اقدامات دیگری را نیز در دستور کار خود قرار داده است. در واقع یکی از اهداف اسرائیل از حضور در شمال عراق، تسلط بر خط لوله «کرکوک - یومورتالیک» است که نفت

1. [http://www.thedossier.ukonline.co.uk/Web%20Pages/DAILY%20STAR\\_Securing](http://www.thedossier.ukonline.co.uk/Web%20Pages/DAILY%20STAR_Securing)  
 Securing iraq oil for Israel»

2. <http://www.sptimes.com/2004/08/15/columns/Israel-s-pipe-dream-.shtml> »Israel  
 Pipedream: Getting Oil From Iraq»

3. Ibid.

شایان ذکر است که مردم عراق به دلیل دیدگاه‌های ضد اسراییلی خود، حاضر به مصرف کالا‌های اسراییلی نیستند و به همین دلیل شرکت‌های اسراییلی کالاها و خدمات خود را تحت پوشش و با برچسب شرکت‌های اردنی، مصری و بعضاً ترک ارائه می‌نمایند

شمال عراق را به ترکیه می‌برد و در حال حاضر نیز به دلیل حملات متعدد از کار افتاده است. هدف اسراییل از تسلط بر این خط آن است که انتقال نفت از طریق این خط لوله را برای همیشه غیر ممکن سازد تا بدین وسیله عراق را به خط لوله «موصل - حیف» محتاج نماید.<sup>۱</sup>

مقامات ترکیه در واکنش به این اخبار و اشتیاق منابع اسراییلی در طرح و احیای خط لوله موصل

- کرکوک نگرانی خود را ابراز نمودند؛ چراکه در حال حاضر همان‌گونه که اشاره گردید نفت عراق از طریق ترکیه به یک بندر مدیترانه‌ای در نزدیکی مرز سوریه منتقل می‌شود و به همین دلیل ترکیه از ترانزیت این ماده درآمد بالایی را کسب می‌نماید. از همین رو منابع ترکیه به اسراییل هشدار دادند که تصمیم و اقدام برای احیای این خط لوله موجب سردی روابط آنکارا - تل‌آویو خواهد شد.<sup>۲</sup>

ضمناً باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و طولانی‌مدت، خود نیاز به عقد قراردادهای بلندمدتی خواهد داشت که نه تنها موجبات وابستگی عراق به شرکت‌های اسراییلی را فراهم می‌سازد، بلکه توجیهی مناسب برای حضور فعال تر و طولانی‌مدت اسراییل در عراق و دستیابی به اهداف دیگر این رژیم نیز می‌باشد.

اما نکته‌ای که در اینجا باید بر آن تأکید نمود این‌که اگرچه منطقه شمال عراق به عنوان یکی از غنی‌ترین منابع نفتی جهان، طمع اسراییل را به خود جلب کرده است اما همان‌گونه که ذکر گردید، این امر تنها زمانی به واقعیت تبدیل خواهد شد که دولتی که در عراق بر قدرت می‌نشیند از گذشته تمایلاتی به اسراییل داشته باشد.<sup>۳</sup>

از همین رو است که پاریتزکی معتقد است که: «انعقاد قرارداد احیای خط لوله انتقال نفت عراق به اسراییل بستگی به دولتی دارد که پس از فروپاشی صدام زمام امور را به دست خواهد گرفت.»

1. <http://www.mehrnews.com/fa/newsprint.aspx?newsId-61702>

2. Ronald, Hilton, Iraqi Oil For Israel, ([http://wais.stanford.edu/Iraq/iraq\\_IraqiOilForIsrael\(110503\).html](http://wais.stanford.edu/Iraq/iraq_IraqiOilForIsrael(110503).html)), Haaretz, 2003

3. <http://www.jewishsf.com/bk030418/i22b.shtml>, Matthew, Gutman, «Iraq to Hifa Oil Pipeline Could Spur Economic Rebirth»



تنوع زمینه‌های فعالیت شرکت‌های اسراییلی در عراق علاوه بر آن که نشان‌دهنده اشتباهی اقتصادی اسراییل در عراق است، بیانگر تلاش اسراییل برای ایجاد نفوذ هر چه بیشتر در زمینه‌های مختلف و بهره‌گیری از این نفوذ در برنامه‌های آتی خود در عراق است

در اینجا نیز نقش کردستان عراق در ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور اسراییل در عراق برجسته می‌شود؛ چراکه وجود منابع عظیم نفتی در کردستان و روابط تاریخی اسراییل با اکراد، زمینه لازم را برای چانه‌زنی و لابی اسراییل در دستیابی به اهداف خود و از جمله احیای خط لوله انتقال نفت فراهم می‌آورد. اما این موضوع از نگاه تحلیل‌گران مختلف با

چند مانع سیاسی روبه‌رو خواهد بود:

۱. دولت عراق را در صورت عقد چنین قراردادهایی با اسراییل با فشار روبه‌رو خواهد کرد؛

۲. حفظ امنیت خط لوله بسیار مشکل است.<sup>۱</sup>

ضمن اینکه واکنش کشورهای همسایه عراق و به‌ویژه متحد استراتژیک اسراییل یعنی ترکیه را به همراه خواهد داشت؛ و حتی به‌رغم اظهارات مقامات اسراییلی ممکن است مخالفت اردن را نیز به همراه داشته باشد؛ زیرا این کشور به عنوان مسیر عبور خط لوله، خواهان دریافت حق ترانزیت قابل توجهی خواهد شد که بایستی نهایتاً اسراییل و اردن به توافق نهایی دست یابند.<sup>۲</sup>

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بررسی‌های موجود نشان می‌دهد وجود زمینه‌های تاریخی برای اسراییل در کردستان عراق، موجب گردیده است تا عوامل این رژیم تحت پوشش شرکت‌های اقتصادی و تجاری، احساس دین اکراد و برخی رهبران کرد به اسراییل، تمایلات و اظهارات رهبران کرد در برقراری رابطه با اسراییل و همچنین از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی برای نیروهای کرد، اولاً حضور خود را در این منطقه افزایش دهند و ثانیاً به دلیل هم‌مرز بودن کردستان عراق با مناطق کردنشین ایران، با به‌کارگیری شیوه‌های خاصی، اهداف ذیل را علیه جمهوری اسلامی ایران در دستور کار خود قرار دهند:

الف. ایجاد بازدارندگی و موازنه از طریق به‌وجود آوردن نیروی هم‌وزن حزب‌الله لبنان

1. «Israel Pipedream: Getting Oil From Iraq», tims magazine, August, 2004

۲. خبرگزاری مهر، «احتمال احیای خط لوله نفت کرکوک به اسراییل»، ۱۳۸۴/۴/۲۲.

در مرز جمهوری اسلامی ایران، با بهره‌برداری از نیروهای آموزش دیده و جنگ دیده کرد نظیر پیش مرگان و به‌ویژه ضدانقلاب کردی؛ از طریق تسلیح، تجهیز و آموزش؛ ب. دایر کردن پایگاه‌های جاسوسی و شنود در مرز ایران و کنترل اقدامات نظامی جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه در خصوص تحرکات و فعالیت‌های هسته‌ای)؛ پ. تهییج، ترغیب و حمایت از ایده‌ها و تمایلات تجزیه‌طلبانه اکراد. در واقع شاید بتوان اسراییل را تنها طرفی دانست که همواره از تمایلات تجزیه‌طلبانه اکراد در دهه‌های گذشته حمایت نموده است؛ این موضوع که در راستای یکی از استراتژی‌های کلان این رژیم در منطقه خاورمیانه یعنی تجزیه کشورها به مناطق و بخش‌های مختلف بر اساس هویت‌های متنوع قومی و فرهنگی است، از این لحاظ حائز اهمیت است که تقریباً تمامی کشورهای دارای اقلیت کرد، دارای بحران بوده و موضوع کردها همواره یکی از موضوعات اصلی امنیت ملی این کشورها مطرح بوده است. از این رو تلاش اسراییل در ترغیب کردها برای تحقق استقلال کردستان عراق بدون تردید با اهداف ذیل صورت می‌گیرد:

۱. تحقق تجزیه کردستان و حتی وضعیت فدرالی در کردستان عراق، سایر اکراد منطقه را در داشتن وضعیت مشابه تحریک می‌نماید. این وضعیت موجب دامن زدن به بحران کردی برای کشورهای دارای اقلیت کرد و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران می‌گردد.
۲. تحقق تجزیه کردستان عراق یا وضعیت فدرالی، به تدریج ادعاهای اکراد در الحاق مناطق نفت خیز شمال عراق نظیر موصل به کردستان<sup>۱</sup> را به دنبال خواهد داشت که در این صورت، اسراییل علاوه بر اینکه فرصت مناسب‌تری را در شورانیدن اکراد دیگر کشورها به منطقه پیشرفته کردستان عراق خواهد داشت، به اهداف بلندمدت اشاره شده در این پژوهش نیز دست خواهد یافت.

۱. شایان ذکر است که صدام حسین به‌منظور کنترل تمایلات استقلال طلبانه اکراد و حفظ امنیت انرژی به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمد عراق، از طریق کوچ و مهاجرت اعراب سنی به مناطق شمال عراق و به‌ویژه موصل، وضعیت جمعیتی این مناطق را تغییر داد.

